

همایش گوهران کویر

مالکیت منابع آبی

تهران- خرداد ۱۳۸۳

محقق :

غلامرضا مدنیان

کارشناس ارشد حقوقی و مشاور حقوقی شبکه آبیاری دز

با همکاری سازمان آب و برق خوزستان

شبکه آبیاری ناحیه شمال خوزستان

فهرست مندرجات

مبحث اول : جایگاه و سیر تاریخی

الف: زمینه مطالب

ب - سیر تاریخی قوانین مالکیت منابع آبی

مبحث دوم: عمومات مالکیت منابع آبی در قانون مدنی

الف: در عمومات مالکیت

ب: مشترکات عمومی در قانون مدنی

ج: قواعد مشترکات عمومی در قانون مدنی

مبحث سوم: مالکیت خصوصی منابع آب در قوانین مختلف

الف: مالکیت منابع آب در قانون مدنی

ب: مالکیت خصوصی منابع آب در قوانین مختلف

قوانین مختلف:

- ۱- قانون راجع به قنوات مصوب ۶ و ۱۸ شهریور ۱۳۰۹
 - ۲- قانون تکمیل قانون قنوات مصوب ۲۳/۶/۱۳۱۳ (۲۳)
 - ۳- قانون اجاره تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۲۹/۲/۱۳۲۲
 - ۴- لایحه قانونی راجع به تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۴۲
 - ۵- قانون حفظ و حراست از منابع آبهای زیرزمینی کشور - مصوب ۱/۳/۱۳۴۵
 - ۶- قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۲۷/۴/۱۳۴۷
 - ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱/۹/۱۳۵۸
 - ۸- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۶۱
- منابع و مأخذ

مبحث اول : جایگاه و سیر تاریخی

الف: زمینه مطالب

اصولا یکی از مباحث مهم حفاظت از منابع آبی آنست که بدانیم مالکیت منابع آبی چه وضعیت و ساختاری دارد و آیا تعلق این مالکیت به یک شخص تکلیفی را برای مالک در جهت حفاظت و حراست بوجود می آورد یا آنکه صرف داشتن مالکیت ایجاد حق و اختیار برای مالک در پی دارد؟
مضافاً صرف داشتن حق بهره برداری از آب بدون داشتن مالکیت چه آثاری دارد؟

آیا می‌توان به استناد قاعده فقهی و مشهور اذن در شنی اذن در لوازم آن نیز هست (۱). استنباط کرد که با وجود و تحقق حق بهره‌برداری از منابع آبی لزوماً حق حفاظت به بهره‌بردار منتقل می‌گردد؟ از طرف دیگر انواع مالکیت چه تأثیری در ایجاد حفاظت آن دارد و آیا هنگامی که مالکیت منابع آب در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی از نوع خصوصی باشد، مالک حق حفاظت و حراست به تبع مالکیت خود پیدا می‌کند؟ آیا می‌توان گفت در مالکیت از نوع ملی یا دولتی وظیفه و تکلیف‌بخصوص و ویژه‌ای برای مالک در ممانعت و انجام حفاظت بوجود می‌آورد؟

بررسی سیر تحول مالکیت آب از آن جهت مهم و حیاتی است که برای ما محقق می‌سازد نوع مالکیت این منبع حیات بخش تا چه میزان در کشور ما مؤثر بوده است، و بدیهی است که جهات مختلف اقتصادی، حفاظتی بهره‌برداری قابل بررسی هستند. همچنین آثاری مانند: آثار عام مالکیت، دعاوی ناشی از مالکیت و قواعد نگهداری از منابع و سرچشمه‌های نظام آبیاری از این نظر بیشتر می‌تواند قابل تأمل باشد.

این امر مسلم است که با وجود مالکیت خصوصی بر منابع آب طبیعی است که آثار حفاظت از آنها مشمول قواعد عام مالکیت خصوصی خواهد بود لکن در صورتی که مالکیت این منابع را تابع امور عمومی (۲) قرار دهیم شرایط نگهداری و استفاده و نیز حفاظت مشمول شرایط ویژه این قواعد خواهد بود.

به جهت آنکه در کشور ما هر دو مرحله مذکور را سپری کرده آثار اجرایی آن بر ما روشن است و هر دو مرحله را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. لیکن از مجموع این مباحث ما به آثار و انواع مالکیت منابع آبی اشاره خواهیم کرد.

ب - سیر تاریخی قوانین مالکیت منابع آبی

بند ۱ - نگرشی که زمینه ساز بحث‌های مالکیت منابع است جزء با بررسی سیر تاریخی قوانین مربوط به مالکیت منابع آبی تحقق نمی‌یابد. بسیاری از قوانین مربوط به آبها در نوع خود گویای مسایل مربوط به مالکیت منابع آب یا مرتبط با مسئله مالکیت آبهاست. لکن قصد ما صرفاً از این بررسی تأخر و تقدم تصویب قوانین مرتبط است و در ضمن مباحث آینده، به بررسی آنها از نظر رابطه حقوقی مالکیت آنها خواهیم پرداخت:

- 1 - قانون مدنی مواد ۲۷ - ۲۹ - ۹۶ - ۱۰۰ - ۱۳۴ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ تا ۱۵۸ - ۵۹۴ مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- 2 - قانون قنوت مواد ۳ و ۴ مصوب ۱۳۰۹/۶/۶.
- 3 - قانون تکمیل قانون قنوت - ماده واحده - ۱۳۱۳/۶/۱۳.
- 4 - قانون اجاره تأسیس بنگاه آبیاری - مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۹.
- 5 - قانون اصلاح قانون تأسیس بنگاه آبیاری و امور مربوط به آبیاری کشور مصوب ۱۳۳۴/۵/۱۱.
- 6 - قانون راجع به تأسیس وزارت آب و برق بند (ج) ماده ۱ مصوب ۱۳۴۲/۱۲/۲۶.
- 7 - قانون حفظ و حراست از منابع آبهای زیرزمینی کشور مصوب ۱۳۴۵/۱۳/۱.
- 8 - قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷/۴/۲۷.
- 9 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۱.
- 10 - قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶.

بند ۲ - بخش دیگری از قواعد آمره که مربوط به مالکیت منابع آبی بواسطه اختیارات قانونی هیئت وزیران یا براساس تفویض اختیار به دولت در وضع مقررات اجرایی قوانین منشاء اثر در مباحث مربوط به مالکیت منابع آبی است. و نیز آئین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها یا بخشنامه‌های صادره از طرف هیئت دولت است که به لحاظ اهمیت موضوع به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

سیاست عمومی این آئین‌نامه‌ها غالباً تابع قوانین آمره زمان اجرا آنها بوده و کمتر آئین‌نامه‌ای است که خود فراتر از قواعد مندرج در قوانین به وضع قاعده بپردازد.

- 1 - آئین‌نامه قانون ثبت املاک مصوب ۱۳۱۷.
- 2 - آئین‌نامه سازمان آب و برق خوزستان مصوب ۱۳۳۹/۳/۱۱.
- 3 - آئین‌نامه اکتشاف و بهره‌برداری از آبهای معدنی کشور مصوب ۱۳۴۶/۱۰/۱۶.
- 4 - آئین‌نامه‌های اجرایی قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحات ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳.
- 5 - آئین‌نامه تعیین حد بستر، حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیله‌ها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۵۲/۲/۸.
- 6 - آئین‌نامه‌های اجرایی قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۳، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۲.
- 7 - آئین‌نامه نحوه تعیین حد بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار و مسیله‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی مصوب ۱۳۷۰/۴/۱۲.
- 8 - آئین‌نامه حریم مخازن و تأسیسات آبی، کانالهای عمومی آبرسانی آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۷۱/۴/۲۴.
- 9 - آئین‌نامه تبصره ماده ۳۴ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱۵.

مبحث دوم: عومات مالکیت منابع آبی در قانون مدنی

الف: در عومات مالکیت

در عالم حقوق مالکیت بر اموال مترتب می‌شود و اموال جمع مال است که در تعریف مال، هر چیزی را که دارای نفع و فایده قابل مبادله مادی یا معنوی و دارای ارزش باشد مال دانسته‌اند. (۳)

اموال از دیدگاه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است یکی از این تقسیم‌بندیها به اموال خصوصی و دیگری عمومی است که در تقسیم‌بندی قانون مدنی ملاحظه می‌شود.

اموال خصوصی شامل: اموال متعلق به افراد خصوصی یا اشخاص حقوقی خصوصی یا قسمتی از اموالی است که مردم برابر مقررات حق تملک آنها را دارند مانند مباحات که امکان استفاده عمومی از آن در قانون پیش بینی شده است.

اموال عمومی شامل: اموال متعلق به دولت و شهرداریها و نیز اموالی که مستقیماً در اختیار عموم مردم برای بهره‌برداری قرار می‌گیرد، (۴) یا اموالی که اختصاص به دولت دارد و برای یک خدمت بخصوص اختصاص یافته است. مانند مزارع نمونه دولتی یا قنات شهرداری که از محل آن کسب درآمد می‌کنند. طریقه کسب اموال عمومی توسط دولت از طرق زیر است:

الف: ملی کردن ب: خرید اموال ج: اخراج ملک از مالکیت اشخاص به سود عموم (یا تملک) د: مال بلاوارث، بلاصاحب، بلا متصدی ه: اموال مصادره‌ای حاصل از جرائم و آلات جرم و وصایا و هبات به نفع دولت ز: مرور زمان موجب حق به نفع دولت. (۵)

هرچند قانون مدنی، مالکیت را تعریف نکرده و فقط دو قسم از آن یعنی مالکیت عین و مالکیت منافع را بیان ساخته (۶) اما در حقیقت حدود مالکیت را مترادف سلطه و اختیار در نظر داشته، و بدیهی است که از نتایج قهری سلطه و اختیار حق بهره‌برداری تام و حق ممانعت از غیر است که تحت عنوان حفاظت قابل بررسی را می‌توان در این مباحث از آن استفاده برد.

ب: مشترکات عمومی در قانون مدنی

مقررات حاکم بر مالکیت آنها از زمان وضع قواعد اجتماعی توسط قانونگذاران تا سال ۱۳۴۷ تابع عومات قانون مدنی بوده است. در این دوره اصل بر مالکیت عمومی تمام منابع آبی یعنی مباحات و مشترکات عمومی بوده هر کس می‌توانست در اراضی مباح از نهر یا رودخانه جونی منشعب و از آن بهره‌برداری نماید. (۷)

لذا همین که شخص این کار را انجام می‌داد مالکیت آب و نهر برای وی مستقر می‌گشت بدین جهت از این دیدگاه دولت یا حکومت نظارت و یا مالکیتی بر منابع آبی از هر قبیل نداشت.

هرچند که منابع آبی بطور وسیع و متفاوت هستند ولی برخی از آنها بصورت قابل دسترسی در اختیار عموم می‌باشد مانند رودخانه‌ها یا چشمه‌سارها. و برخی دیگر از این منابع آبی مستقیماً در اختیار عموم نمی‌باشند و افراد با تلاش و هزینه خود به این قبیل منابع آبی دسترسی پیدا می‌کنند مانند چاه و قنات و همین گستردگی و تنوع منابع و بهره‌برداری از آنها در قالب قواعد قانون مدنی تحلیل شده است.

و لذا در هر صورت تفاوتی در کلیت مسئله نبوده و تمام منابع آبی اعم از سطحی یا غیرسطحی قابلیت استفاده همگانی داشته و هر کس می‌توانست به سهم‌القدر خود از آنها بهره‌مند و منتفع گردد، و هیچکس نمی‌توانست مزاحم یا مانع استفاده و انتفاع دیگری شود. اصول کلی حاکم بر قانون مدنی از جمله ماده ۳۰ آن اینست که هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد مگر مواردی که قانون استثناء کرده است و لذا هر کس با اقدامات شخصی به یکی از منابع آبی دسترسی پیدا نماید مالک آن خواهد بود، و از این طریق حق هر گونه بهره‌برداری از مایملک خود را خواهد داشت. (۸)

ماده ۲۵ قانون مدنی در بیان مشترکات عمومی اشعار می‌دارد که:

هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها، کاروانسراها، آب انبارهای عمومی و مدارس قدیم و میدانگاه‌های عمومی را تملک کند. و همچنین است قنات و چاههایی که مورد استفاده عموم است.

در این ماده قانونگذار ضمن آنکه تملک و انحصار طلبی نسبت به اموال عمومی را که مورد نیاز تمام اقشار اجتماع می‌باشد ممنوع می‌کند، استفاده همگانی از این اموال را مورد نظر دارد و برای تمام افراد اجتماع حق بهره‌مندی از منابع آبی را پیش‌بینی می‌کند، اما میزان این حد تا جایی است که به انحصار و تسلط مطلق منتهی نگردد. هرچند

حدود بهره‌برداری و نحوه استفاده را روشن نساخته ولی در مقام ایجاد حق و تکلیف عوماتی را بیان می‌دارد که منشاء استفاده عمومی از منابع آبی را روشن می‌سازد.

همچنین در ماده ۲۷ همین قانون به تعریف مباحات و مشترکات عمومی می‌پردازد. (۹)

اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آنها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلف آنها تملك کرده و یا از آنها استفاده‌کننده مباحات نامیده می‌شوند شرایط مباحات آنست که:

- 1- سابقه مالکیت خصوصی مسلم نداشته باشد.
- 2- در حال حاضر کسی مالک آن نباشد.
- 3- اگر مالکی داشته از آن چشم‌پوشی کرده باشد.
- 4- مالک قصد استفاده از آن را کلا نداشته باشد.
- 5- مال مباح در حال معطلی افتاده باشد.

برخی حقوق‌دانان برای مشترکات عمومی توضیحات مفیدی ارائه داده‌اند.

مشترکات از کلمه **Yes Commanes** یا **Yes Publicae** است که در اصطلاح مدنی به اموالی که مالکان در حقوق عمومی دارای شخصیت حقوقی باشند، مانند: شهرداری، دولت و دانشگاه گفته می‌شود و در فقه به اموالی گفته می‌شود که به نحوی از انحاء متعلق حق عموم باشد، اصطلاح تفصیلی آن مشترکات عمومی است (۱۰).

نظر مندرج در قانون مدنی در خصوص مشترك بودن استفاده عمومی از آب منتج از فقه اسلامی و نظریات اسلام است زیرا قانون اسلام حق استفاده از آب را برای همه مسلمانان یکسان می‌داند. قانون اسلام آب را ثروت عمومی و حق استفاده از آنرا همگانی اعلام و آنرا جزء اموال عمومی بحساب می‌آورد. استفاده از رودخانه حق عموم مسلمین است و هر کس حق دارد به لحاظ اولویت و اقدمیت، نهری از رودخانه به منظور آبیاری زمین خود جدا کند مشروط بر آنکه زمانی به ملک مجاور وارد نسازد. همچنین در شرع اسلام آب خرید و فروش نمی‌شود و فقط حق مجرا و حق استفاده از مجرای آب قابل فروش است و لذا پول بابت هزینه‌های فنی متحمله پیرامون آب قابل تملك است. اسلام معتقد است که یکی از حقوق عمومی مردم ذیحق بودن نوع انسان در تمامی آبها است زیرا آب از آسمان به سراسر زمین می‌ریزد و این کیفیت دلیل آنست که شرب و استعمال آن از نیازهای عمومی انسانهاست و برای همه مردم استفاده از آن آزاد است. (۱۱)

ج: قواعد مشترکات عمومی در قانون مدنی

در قانون مدنی قواعد و مواردی پیش‌بینی شد که اصول آنها به مسئله مشترك بودن و عمومی آب عطف میشود و جز با این دیدگاه قابل تطبیق نیستند.

ماده ۱۵۵ قانون مدنی می‌فرماید: هرکس حق دارد از نهرهای مباحه اراضی خود رامشروب کندیا برای زمین و آسیاب و سایر حوائج خود از آن نهر جدا کند .

و در ماده ۱۵۶ تصریح می‌نماید: <هرگاه آب نهر کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب‌شود و یابین صاحبان اراضی در تقدم و تاخر اختلاف شود و هیچکس نتواند حق تقدم خود را ثابت‌نماید با رعایت ترتیب هر زمین که به منبع آب نزدیکتر است به قدر حاجت حق تقدم بر زمین پائین‌تر خواهد داشت.

همچنین ماده ۱۵۳ اشعار می‌دارد که هر گاه نهری مشترك مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هر یک از آنها اختلاف شود حکم به تساوی نصیب آنها می‌شود مگر اینکه دلیلی بر زیادتی نصیب بعضی از آنها موجود باشد.

در موارد مذکور در فوق بعلت آنکه آب يك مسئله طبیعی و حق عمومی است همگان را در بهره‌برداری و استفاده از آن مجاز شمرده است و با دقت در عبارت یکایک مواد فوق هیچگونه حق اجحان و اولیویی برای بهره‌برداران قائل نشده و در مواردی حکم به تساوی، حکم به قرعه و حکم به تقدم و تاخر موقعیت املاک نموده و شرایط بهره‌مندی را به عدالت نزدیک ساخته است. در قانون مدنی عناصری را برای حیزات مباحات پیش‌بینی کرده است.

1- وجود مال منقول در خارج

2- بلا مالک بودن مال

که دارای دو شرط است

اول آنکه: هرگز مالک نداشته است مانند: حیوانات وحشی

دوم: اشیایی که مورد اعراض قرار گرفته‌اند. (12) (۱۳)

3- ایجاد سلطه بر مال با تهیه مقدمات سلطه (مانند حفر نهر برای آب

4- داشتن قصد حیزات مباحات که شامل قصد فعل و قصد نتیجه باشد. (۱۴)

هر گونه وضع ید، تصرف یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا و نیز انجام سلطه واقعی بر يك مال عنوان حیزات را دارد، (۱۵) و هر گونه حیزات مباحات توسط قانون مدنی مجاز شمرده شده است.

بحث در آنست که آیا این حیزات بهنگام وضع ید نیز در حالت اشتراك قرار دارد یا آنکه شخص با وضع ید بر يك مال مشترك آنرا به ملکیت خود در می‌آورد. و آیا شخص می‌تواند با انجام حیزات دیگران را محروم سازد. بدیهی است که

در پاسخ به بخش اول باید اشعار داشت که به محض حیات مال از حالت اشتراك خارج و در مالکیت حیات کننده مستقر می‌شود ولی هیچکس نمی‌تواند با زیاده خواهی آن مقدار از مباحات را تصرف کند که نافی حقوق دیگران گردد و لذا طبق قاعده لاضرر مشمول استفاده تا حد عدم تضرر دیگران است. قانون مدنی در پاره‌ای از مواد خود به مالکیت مال مباح پس از تصرف اشاره دارد. (۱۶)

مبحث سوم: مالکیت خصوصی منابع آب در قوانین مختلف

الف: مالکیت منابع آب در قانون مدنی

قانون مدنی که ام‌القوانین و از نخستین قوانین حقوقی کشور ما محسوب است با اقتباس از حقوق امامیه و برداشت‌های مستقیم از اجماع فقهاء در اکثر موارد همان راهی را رفته که شرع مقدس اسلام در نظر داشته است. در بحث مالکیت از نظر اسلام احترام به مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی و مالکیت ملی یا بیت‌المال می‌باشد که همین روند را در مواد مختلف دنبال نموده است. مالکیت منابع آبی نیز از این مقوله مستثنی نبوده و تابع این روند می‌باشد. قانون مذکور پس از آنکه آبر را بعنوان يك منبع همگانی و عمومی قابل بهره‌برداری جمعی دانسته تملك آنرا برای شخص منتفع‌داري آثار مالکیت تلقی و هرگونه بهره‌برداری و تسلط بر آن را مجاز می‌شمارد، این روند تا بدانج پیش رفته که هرگاه يك منبع آبی طبیعی در ملك کسی بوجود آید خواه بر اثر فعل یا بر اثر عوارض طبیعی، قانون مذکور آنرا محکوم به مالکیت صاحب زمین دانسته و اشعار می‌دارد:

چشمه واقع در زمین کسی محکوم به ملکیت صاحب زمین است (۱۷)

در این مورد که وجود منبع آبی را در ملك خصوصی محکوم به ملکیت صاحب آن می‌داند فرض بر آن قرار گرفته که این شخص با دارا بودن حق مالکیت تام می‌تواند هر استفاده و انتفاعی از آن ببرد و دیگران نمی‌توانند به استناد آنکه منابع آبی جزء مشترکات عمومی هستند از آن بهره‌مند باشند مگر آنکه مالک رأس‌برای دیگران عیناً یا انتفاعاً حقی قرار داده باشد.

قاعده مشترکات عمومی در مواردی قابل استناد است که منبع آبی در مالکیت شخص مستقر نشده باشد و الا صرف آنکه يك منبع آبی موجود باشد دیگران حق ورود به ملك غیر راندارند.

همین بحث در معادن و فضایی محاذی و تحتانی املاک خصوصی در قانون مدنی ملاحظه می‌شود.

در ماده ۱۳۴ قانون مدنی وجود رابط شراکت در يك منبع آبی را بطور عام پذیرفته و اشعار می‌دارد:

هیچیک از اشخاصی که در يك معبر یا مجری شریکند نمی‌توانند شرکاء دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند،

در این مطلب شراکت در معبر و مجری برای آبی است که به آن مجری وارد می‌شود و الا وجود معبر یا مجری بدون آب بی‌فایده خواهد بود و چنانچه هر يك از شرکاء که بقدر الحصة خود مالک آب محسوب است بخواهد از انتفاع

سایرین ممانعت نماید بعلت وجود ضرر در این فعل از آن منع شده است. (۱۸)

در تفسیر این ماده باید توجه داشت که در مفهوم قانون مدنی دو نوع اشتراك وجود دارد:

۱- اشتراك ناشی از مشترکات عمومی که حق بهره‌مندی تمام افراد را از آب قبول نموده، و هیچکس نمی‌تواند انحصاراً آب را برای خود تملك نماید مگر به قدر نیاز متعارف.

۲- اشتراك از منشاء شراکت که هر گاه چند نفر برای زراعت یا شرب یا سایر اقدامات در انجام آبیاری شریک گردیده و نهر اختصاصی خود را حفر نمایند در این حالت است که تقسیم نهر مشاع همانند تقسیم اموال مشترک خواهد بود. (۱۹)

نیز قانون مدنی در ماده ۱۴۸ اشعار می‌دارد:

هر کس در زمین مباح نهري بکند و متصل کند به رودخانه، آن نهر را احیاء کرده و مالک آن نهر می‌شود ولی مادامی که متصل به رودخانه نشده تجبیر محسوب است.

و در ماده ۱۶۰ در همین رابطه اشعار می‌دارد:

هر کس در زمین خود یا در اراضی مباحه به قصد تملك قنات یا چاهی بکند تا به آب برسد یا چشمه جاری کند مالک آن آب می‌شود و در اراضی مباحه مادامی که به آب نرسیده تجبیر محسوب است.

و در ماده ۱۴۹ بیان شده که:

هرگاه کسی به قصد حیات میاه مباحه نهر یا مجری احداث کند آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد شود ملك صاحب مجری است و بدون اذن مالک نمی‌توان از آن نهري جدا کرد و یا زمینی مشروب نمود.

و در موارد مذکور اصل بر آن است که هر کس بوسیله ایقاع نسبت به اموال مباح تملك ایجاد نماید. (۲۰) نیز مالکیت منابع آبی بوسیله عمل حیات یا تجبیر مستقر می‌شود. پس با ورود آب به ملك با عمل حیات، شخص مالک قانونی آب گردیده و هیچکس را توان مقابله با حق قانونی وی متصور نیست. مالکیت منابع آبی با عمل اشخاص مستقر و نقشی برای دولت در مالکیت منابع آبی پیش‌بینی نشده بود و این امر تا سال ۱۳۴۷ که مالکیت آنها متحول گردید ادامه یافت.

ب: مالکیت خصوصی منابع آب در قوانین مختلف

پس از قانون مدنی که بنیانگذار تفکر مالکیت خصوصی منابع آب با استقرار ایقاعی تملک منابع آب می‌باشد پاره‌ای قوانین عادی بوسیله قانونگذار تدوین که بر همین مبنا و شیوه معتقد به مالکیت خصوصی منابع آبی بودند، از این قوانین که شمار آنها نیز اندک نیست موارد بیشتری را می‌توان نام برد، لذا هرگونه وضع ید بر منابع آبی قانونا مجاز و با تلاش و زحمت بهره‌برداران ایجاد مالکیت بر منابع آبی ممکن و متصور شده بود. هرچند روند اولیه قانون مدنی که بر مبنای مالکیت بی‌حد و حصر و بی‌قاعده تلاش بهره‌برداران استقرار یافته بود به تدریج با محدودیت و قیود جدیدی مواجه شد ولی این روند تا هنگام تغییر نظام کلی مالکیت آنها ادامه یافت. بر همین مبنا تفصیل قوانین و مقرراتی که معتقد به نظام خصوصی مالکیت آنها بودند و نیز تغییراتی که به تدریج بعمل آمد در ذیل آورده می‌شود:

1 - قانون راجع به قنات مصوب ۶ و ۱۸ شهریور ۱۳۰۹.

در ماده اول قانون مذکور آمده است که: (۲۱)

اگر کسی صاحب و مالک چاه و قنات یا مجرای آبی در ملک غیر و یا اراضی مباحه باشد تصرف صاحب چاه یا صاحب مجری در چاه و مجری فقط من حیث مالکیت قنات و مجری و برای عملیات مربوط به قنات و مجری خواهد بود و صاحب ملک می‌تواند در اطراف چاه و مجری و یا اراضی واقعه بین دو چاه تا حریم چاه و مجری هر تصرفی که بخواهد بنماید، مشروط بر اینکه تصرفات او موجب ضرر صاحب قنات یا مجری نشود. و نیز در اراضی مباحه واقع در اطراف چاه یا مجری و یا بین دو چاه اشخاص دیگر هم می‌توانند با رعایت حریم که به موجب قانون مدنی معین است و سایر مقررات مربوط به اراضی مباحه تصرفاتی بنمایند که موجب ضرر صاحب قنات یا مجری نباشد.

و در ماده دوم قانون مذکور آمده است که:

هرگاه کسی مالک چاه یا قنات یا مجرای آبی در ملک غیر باشد صاحب ملک حق ندارد صاحب مجری و یا چاه را از پاک کردن مجری یا چاه ممانعت نماید اگرچه قنات یا مجرای آب بایر باشد و در ماده سوم این قانون اجازه احداث منابع آبی را داده است. (۲۲)

در املاک مزروعی، باغات، دهات، باغات قصبات و باغات خارج شهرها مشروط بر اینکه عرفا اطلاق منزل به آنها نتوان کرد هرگاه کسی بخواهد چاه یا استخر یا مجرای قناتی احداث نماید یا برای اصلاح یا تکمیل چاه یا مجرای ایجاد کند صاحبان املاک مذکوره حق ندارند (با رعایت حریم) جلوگیری نمایند.

کلا مواد قانون فوق اشعار دارد بر آنکه هر کس قصد احداث چاه یا مجرای آبی دارد ضمن آنکه مجاز است در صورت ممانعت سایرین می‌تواند از مزایای قانونی و امتیازات ویژه تصرف اراضی غیراستفاده نماید. این قانون از جمله قوانین مکمل قانون مدنی است که حقوق زیادی برای متقاضیان احداث مجرای آبی قائل شده است.

2 - قانون تکمیل قانون قنات مصوب ۲۳/۶/۱۳۱۳

هرگاه اشخاص متعدد در رودخانه یا در نهر یا چشمه یا قناتی برای مشروب ساختن اراضی معینی حقا به داشته باشند و یک یا چند نفر از آنها بخواهند از حق مزبور استفاده کنند شرکاء دیگر آبی مجری حق ممانعت نخواهند داشت. این قانون نیز همان روشی را اتخاذ کرده که قوانین مدنی و قبلی اتخاذ کرده بودند و حق بخصوصی برای صاحبان حقا به قائل شده است. (۲۳)

3 - قانون اجاره تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۲۹/۲/۱۳۲۲

در ماده ۵ این قانون ذکر شده است.

هر موقع که اشخاص یا مالکین بخواهند در نقطه‌ای به عملیات آبیاری یا زهکشی یا سدسازی و امثال آن به هزینه خود اقدام نمایند می‌توانند از بنگاه آبیاری تقاضای کمک فنی نمایند.

در این مقررات اصل بر مالکیت افراد قرار گرفته است و بودجه‌ای برای احداث تأسیسات آبی و نقشه‌برداری از منابع آبی اختصاص و بنگاه مجاز شده با احداث تأسیسات آبی آب را به زارعین بفروشد و این اولین اقدام قانونگذاری برای تحول مسئله مالکیت غیرخصوصی و تقریباً شبه دولتی است زیرا علاوه بر آنکه امکان فروش آب پیش‌بینی شده در ماده ۱۰ قانون، نظارت در کلیه امور آبیاری کشور از قبیل تأسیسات آبیاری، ساختمانها و تقسیم آب رودخانه‌ها و آنها را عمومی، استخرهای عمومی و چشمه‌سارهای عمومی که آب آنها به مصرف زراعت می‌رسد با رعایت قانون مدنی به مقدار حقا به و مطابق عرف محل بوده بعهد بنگاه آبیاری گذاشته شد.

و کار را تا مرحله‌ای پیشرفت داده که هیاتی را بنگاه برای امور تعمیرات و نگهداری تأسیسات آبی انتخاب و مخارج تعمیرات را از مالکین آنها وصول و به مصرف تعمیرات تأسیسات می‌رساند.

و در ماده ۱۳ شرایطی را پیش‌بینی می‌نماید که هیات بررسی نماید که آیا لازم است در جنب تأسیسات سابق آبرسانی مانند: چاه و قنات، تأسیسات جدیدی توسط متقاضیان احداث شود و اینکه آیا از نظر فنی امکان مزاحمت سایرین وجود دارد یا خیر؟

بهرحال با وضع مقرراتی که حکایت از تمایل دولت به تحول مقررات سابق بود بنگاه آبیاری اقدامات خود را به مرحله اجرایی رسانید و به تدریج گستره کار را تا به آنجا رسانید که زمام امور آبیاری کشور را بدست گرفت.

آبیاری موردنظر در این مقوله صرفاً آبیاری مربوط به بخش کشاورزی است که بیشترین گستره عملیاتی را داراست. (۲۴)

در ماده سوم این قانون آمده است:

نظارت در امور آبیاری از قبیل تأسیسات آبیاری، ساختمان، تقسیم آب رودخانه‌ها، انهار عمومی و استخرهای عمومی و چشمه‌سارهای عمومی که مالک یا مالکین خاص نداشته باشند بعهده‌بنگاه مستقل آبیاری است. بنگاه همچنین به منظور تثبیت سهمیه آب و حق‌الشرب کسانی که از منابع آب استفاده می‌کنند مکلف است به تدریج میزان سهم آب (مجری‌المیاه) و حق‌الشرب را تا مأخذتصرفات و سوابق موجود مطابق معمول تشخیص و در دفاتر مخصوص ثبت سهم آب درج نماید.

در تبصره ۱ این ماده به حقوق مکتب افراد اشاره شده است.

و در تبصره ۲ این ماده اضافه آب ناشی از حین استفاده یا ازدیاد آب با حفظ حقوق مالکین متعلق به بنگاه شناخته شد و در ماده چهار آمده است که:

آبهایی که مورد استفاده قرار نگرفته و به هدر می‌رود در اختیار بنگاه آبیاری است که رأساً یا توسط مالکین یا اشخاص و شرکتها مورد استفاده کامل قرار گیرد. و در ماده پنج‌گفته شده:

استفاده از آب رودخانه‌ها بوسیله ساختمان سد یا نصب تلمبه از منابع آبهای سطحی باید با اجازه قبلی بنگاه باشد. و در ماده دهم آمده که: افراد یا شرکتها و یامؤسسات اعم از دولتی یا غیردولتی که از تاریخ تصویب این قانون بخواهند در رودخانه‌های عمومی تأسیسات آبیاری ایجاد نمایند پس از کسب اجازه از بنگاه آبیاری موظفند نقشه و طرح خود را به تصویب بنگاه برسانند.

جمیع مواد قانون اصلاح قانون تشکیل بنگاه نیز حکایت از نوآوری‌هایی در جهت حفظ اختیارات مالکین و وضع مقررات نظارتی، اجرایی و عملیاتی بنگاه دارد. همچنین در این قانون مطالعات مربوط به آب و استملاک املاک مورد نیاز بنگاه به تصویب رسید و باب جدیدی در مالکیت منابع آبی بوجود آمد. زیرا در سابق هر کسی قصد احداث یک منبع آبی را داشت هیچگونه مطالعه یا تحقیق علمی نمی‌شد ولی با راه‌اندازی و تأسیس بنگاه، فعالیت‌های علمی و مجانی بنگاه زمینه را برای عرضه خدمات فنی و علمی فراهم آورد. در مواد انتهایی قانون اختیارات مالکین کاهش و آنها مکلف شدند که اراضی خود را که از تأسیسات بنگاه مشروب می‌شود آیش داده و زراعت کنند و الا زمین آنها توسط بنگاه تملک می‌گردد.

در این قانون، بنگاه بطور ضمنی اجازه فروش آب در انهار خصوصی را مشروط به کسب رضایت مالکین بدست آورد و بدین جهت بنگاه که یک شخصیت حقوقی تابع وزارت کشاورزی بود بعنوان عامل مهم آبیاری عرض اندام نمود. (۲۵)

در هر حال اصلاحیه بعمل آمده بقدری حوزه کاری بنگاه را افزایش داد که جنبه خصوصی آبیاری محدود به انهار سنتی کوچک گردید و با توجه به ضرورت کسب مجوز و انجام عملیات عمرانی، نظارتی توسط بنگاه حدود اختیارات مالکین بنحو مؤثری کاهش یافت. ضرورت زمانی این تحول بعلت شرایط اجتماعی آن دوران کاملاً محسوس می‌باشد.

۴- لایحه قانونی راجع به تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۴۲

بتدریج روند دخالت دولت در منابع آب کشور منتهی به تفکر جدید و نوینی شد که حاصل آن تأسیس وزارت آب و برق در اواخر سال ۴۲ گردید. دولت در جهت دخالت و اقدام لازم در خصوص منابع آب و برق کشور نیازمند آن بود که با تمرکز سیاست‌گذاری بر روی منابع آب کشور واحدهای مستقل قبلی را بنحوی در یک مجموعه فراهم آورد. یکی از عمده‌ترین دلایل سیاست دولت دال برتداوم سیاست قبلی، وجود مالکیت خصوصی بر منابع آب، فقدان یک مرجع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای منابع آب بوده که با تأسیس وزارت آب و برق این مهم میسر می‌گردید. این که دولت قصد تحول در مالکیت منابع آبی را داشته و به این سو در حال حرکت بود از زمان تأسیس بنگاه مستقل آبیاری مشهود است اما قرینه‌های آن را در اتخاذ سیاست‌های بلند مدت مشاهده می‌نمائیم ولذا در ماده ۱ لایحه تأسیس وزارت آب و برق بعنوان اهداف تأسیس این وزارتخانه آمده است. (۲۶)

حیث منظور حداکثر استفاده از منابع آب و تأمین برق کافی برای مصارف شهرها و روستاها و نیازمندی‌های کشاورزی و صنعتی کشور وزارت آب و برق با تشکیلات لازم برای انجام وظایف اساسی زیر تأسیس می‌شود:

الف: تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مربوطه به تأمین آب و انتقال آن به مراکز عمده مصرف.

ب: اداره تأسیساتی که طبق بند الف این ماده ایجاد می‌شود و بهره‌برداری از آنها.

ج: نظارت بر نحوه استفاده از منابع آب کشور و...
با عنایت به اینکه برخی از اهداف فوق قبلاً توسط بنگاه مستقل آبیاری یا سازمان آب تهران یا سایر بنگاه‌های دولتی انجام می‌گردید در ماده ۲ قانون فوق اشعار می‌دارد که:

سازمان آب تهران، بنگاه مستقل آبیاری و سایر سازمان‌های دولتی که برای احداث و بهره‌برداری از سدها و منابع آب کشور بوجود آمده‌اند طبق اساسنامه و مقررات خاص خود اداره و بهره‌برداری خواهند شد. وظایف و اختیارات وزارتخانه و مؤسسات دولتی و شهرداری تهران و سازمان برنامه در مؤسسات مذکور تدریجاً طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران به وزارت آب و برق واگذار خواهد شد.

هدف از تأسیس وزارت مذکور آن است که دولت در يك هدف عالي‌تر و اجرائي، سياست‌هاي اجرائي و فني را به يك مرجع تصميم‌گير و سياست‌گزار واگذار نمايد و لذا دستگاه‌هاي اجرائي را درپوشش يك وزارت جديد متمرکز مي‌نمايد که به تدريج بتوانند وضعيت آب کشور را به کنترل ملي‌درآوردند و لذا اين وزارتخانه بلافاصله تأسيس و به مجموعه‌اي که با درك واقعي اجتماعي قصدسياست‌گزاري دارند اقدامات خود را در جهت بهره‌برداري صحيح از منابع آب بعمل مي‌آورند.

5- قانون حفظ و حراست از منابع آبهاي زيرزميني کشور - مصوب ۱۳۴۵/۳/۱

با تشکيل وزارت آب و برق مبحث جديدي که مطرح مي‌گردد مسئله حفاظت از منابع آبهاي کشور است که تاکنون با وجود مالکيت خصوصي در بهره‌برداري سياست حفظ آن ملاک عمل قرارنگرفته و با بهره‌گيري از شرايط علمي و بررسي‌هاي فني معلوم نمايند که آيا سطح استفاده از سفره‌هاي زيرزميني کشور با روند موجود باعث ورود ضرر و زيان به اين منابع خواهد بود؟ يا خير؟

لذا اولين گام مهم زماني برداشته شد که در همين قانون مرحله نظارت قبلي را به دخالت اجرائي تبديل ساخته و امکان ممنوع نمودن مالکين چاهها و منابع آبها را از بهره‌برداري بدون وجود دلایل متعارف و صرفاً براساس ضوابط علمي که ديده‌گاه حفاظت آبها در آن رعيت شده، را فراهم مي‌آورد.

در ماده ۱ اين قانون مي‌خوانيم. (۲۷)

حفظ و حراست منابع و ذخاير آبهاي زيرزميني و نظارت در کليه امور مربوط به آن به وزارت آب و برق محول مي‌شود. وزارت نامبرده مکلف است تدريجاً نيروي انساني و وسايل کار را فراهم‌سازد تا بتواند با جمع‌آوري آمار و مشخصات چاهها و قناتها و چشمه‌ها و رودخانه‌ها و ساير عمليات فني، وضع آبهاي زيرزميني استفاده شده يا نشده مسير منطقه را مشخص سازد و راهنمايي‌هاي فني لازم را بعمل آورد.

و در ماده ۳ اين قانون برخلاف روند گذشته به وزارت آب و برق اجازه داده تا: (۲۸) در مناطقي که مقتضي بداند مي‌تواند با اعلام قبلي حفر چاه عميق و نيمه عميق و قنات را موکول به تحصيل اجازه نمايد.

تحولي که ناشي از اعمال اين سياست است دقيقاً به تغيير سياست دولت عطف مي‌شود زيرادولت با علم به آنکه مي‌داند بهره‌برداري از آبها بهينه نمي‌باشد با حفظ مالکيت خصوصي منابع آب دخالت افراد را محدود ساخته و نحوه استفاده آنها را از منابع آبهاي زيرزميني موکول به شرايط و ضوابطي مي‌سازد و مشخص است که اين امر با تعريف مالکيت که استفاده تام از مالکيت خودمي‌باشد در تعارض است ولي اين روند بدانجا مي‌انجامد که در ماده ۱۲ قانون آمده است:

در صورت تخلف از مواد ۲ و ۳ اين قانون (مشعر بر اخذ اجازه و مصرف متعارف) وزارت آب و برق مي‌تواند با مراجعه به مأمورين انتظامي محل از ادامه کار جلوگیری نمايد و ذينفع نيزمي‌تواند از تعطيل کار به دادگاه شکايت نمايد.

لذا اين تحول باعث شد که در اين قانون اختيارات مناسبی به وزارت آب و برق اعطاء گردد که نتیجه آن به حفاظت مناسبتر از منابع آب کشور منتهي گردد.

6- قانون آب و نحوه ملي شدن آن مصوب ۲۷/۴/۱۳۴۷

از آغاز مشروطيت تا زمان تصويب قانون آب حدود سي‌وهشت (۳۸) قانون بطور مستقيم يا غيرمستقيم مسئله آب را در مورد توجه و عنايت خود داشته‌اند و به نحوي به اصول بهره‌برداري يا مالکيت اين عطيه الهي اشاره نموده و زوايايي از برخورد با مسئله آب را با ديده‌گاه بهره‌برداري بدون وجود مالکيت دولت مورد لحوق قرار داده‌اند بنحوي که اصل بر بهره‌مند کردن ضابطه افراد از منابع آبهاي سطحي و زيرسطحي بود و اين تدابير نقش زيادي در اتلاف اين سرمايه ملي داشته است.

قانونگذار با درك اين مسئله که مالکيت آب با حق بهره‌مندی از آن دو مقوله متفاوت و مجزاتلقی مي‌شوند. (۲۹) اقدام به وضع قوانين جديد در اين خصوص نمود.

در اين راستا در مورخه ۲۷/۴/۱۳۴۷ قانون آب و نحوه ملي شدن آن از تصويب قانونگذارگذشت: شاخصه دقيق اين قانون ايجاد تحولي است که با ملي شدن آب بعنوان يك ثروت ملي و اعلام تعلق آن به عموم جامعه مباني بهره‌مندی از آن را در يك چهارچوب جديد طرح ريزي و نحوه استفاده و انتفاع آن دچار تغيير و تحول مي‌گردد. اين امر علاوه بر آنکه مالکيت منابع آب را از حالت خصوصي خارج نمود بعلت ملي بودن آب دولت را بعنوان نماينده اجتماع متکفل امر ساماندهي بهره‌برداري از آبهاي مختلف کشور ساخت و در اين راستا ماده ۱ قانون اشعار مي‌دارد که:

کليه آبهاي جاري در رودخانه‌ها و انهار طبيعي و دره‌ها و جويبارها و هر مسير طبيعي ديگر اعم از سطحي و زيرزميني و همچنين سيلابها و فاضلابها و زهابها و درياچه‌ها و مردابها و برکه‌هاي طبيعي و چشمه‌سارها و آبهاي معدني و منابع آبهاي زيرزميني ثروت ملي محسوب و متعلق به عموم است.

در اينجا هرچند که اصطلاح ثروت ملي تعريف نگردیده و متعلق به عموم به قرينه لفظ در مالکيت عموم اجتماع آمده است اما طبق تعريف ادبي اين الفاظ مشترکاً لغو امتيازات خصوصي و وجود مالکيت همگاني مردم را گویا مي‌باشند در فراز دوم ماده ۱ وظيفه حفظ اين منابع خدادادي را به دولت محول نموده مي‌فرمايد:

مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول می‌شود.

وزارت آب و برق در این ماده بعنوان نماینده اجتماع عهده‌دار حفاظت فیزیکی، قانونی، علمی و فنی از این منابع می‌باشد و وظیفه دارد تا با برنامه‌ریزی نسبت به توسعه منابع آب و احداث و اداره تأسیسات مرتبط اقدام نماید. در ماده ۲ قانون مذکور به تعیین بخش دیگری از حوزه منابع آبی اشاره دارد و اعلام می‌کند که:

بستر انهار طبیعی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند متعلق به دولت است و ایجاد هر نوع اعیانی در بستر انهار و رودخانه‌ها و در سواحل دریا و دریاچه‌ها اعم از طبیعی یا مخزنی با توجه به حریم قانونی ممنوع است مگر با اجازه وزارت آب و برق.

ماده ۲ برخلاف ماده ۱ که خود منابع آبی را متعلق به عموم دانسته، بستر انهار و رودخانه‌ها را ملک دولت تلقی نموده است، تغییر این عنوان مالکانه به تفاوت تعاریف مالکیت ملی (۳۰) یا عمومی یا مالکیت دولتی برمی‌گردد.

در تعریف اموال ملی به سه خصیصه: ۱ - عدم قابلیت انتقال و بیرون از قلمرو مبادلات ۲ - عدم جاری شدن اماره تصرف ۳ - عدم شمول مرور زمان، اشاره نموده‌اند، (۳۱) در حالی که اموال دولتی اموالی هستند که به یک خدمت عمومی اختصاص یافته یا مستقیماً در اختیار عموم برای بهره‌برداری قرار می‌گیرند مانند: راه آهن یا کتابخانه‌های عمومی.

لذا نباید عبارت اموال عمومی را در کنار اموال دولتی نهاد که موجب اشتباه گردد. نظر اساتید فن نیز چنین است. (۳۲)

علیهذا دولت از دو جهت عهده‌دار وظیفه‌ای خطیر شد:

۱ - از جهت ملی شدن منابع آب

۲ - از جهت مالک بودن بستر انهار و رودها که برطبق شرایط جدید موظف به حراست از منابع آبهای کشور گردید. تحول مذکور باعث شد که قوانینی که متعاقب قانون مذکور تصویب می‌گردیده در راستای این قاعده کلی باشند. هرچند که قانون آب قانون نسبتاً جامعی تلقی می‌شود و گزارش کارشناسان کنفرانس اکافه در سال ۱۹۶۷ در شهر بانکوک حکایت از مفید بودن آن می‌کند. (۳۳) ولی قوانین تکمیلی دیگر همه در راستای اصول قانون مذکور حرکت کرده‌اند. (۳۴) (۳۵).

۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۱

در اصول ۴۴ و ۴۵ که مبین دیدگاه‌های اقتصادی حکومت اسلامی تلقی می‌شوند نظام اقتصادی ایران را در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی استوار ساخته‌اند. اصل ۴۴ اشعار می‌دارد که:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل: کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصول مطابقت داشته و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت جمهوری اسلامی است.

دکتر هاشمی در تشریح مبانی اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی چنین آورده است: (۳۶)

دولت در انجام مأموریت‌های خود همواره منافع عمومی را در نظر دارد و بدین منظور برای خود حق مداخله در بسیاری از امور اجتماعی را قائل است. مداخلات اقتصادی ممکن است بطور مستقیم یا غیرمستقیم (۳۷) صورت گیرد. در مداخله مستقیم، دولت با در نظر گرفتن مصالح کلی و منافع جمعی برخی از واحدهای عمده اقتصادی را تحت انحصار خود در می‌آورد و حتی اگر این واحدها در اختیار اشخاص خصوصی باشد از طریق ملی کردن آنها را تصرف می‌کند. در مداخله غیرمستقیم، منظور اصلی سروسامان دادن به بعضی موضوعات و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

در اصل چهل و چهارم قانون اساسی ج.ا.ا. از مداخله مستقیم دولت در اقتصاد تحت عنوان بخش دولتی، یاد شده است. علاوه بر تأسیس این بخش که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است مجموعه بزرگی از واحدهای عمدتاً فعال اقتصادی خارج از این بخش وجود دارد که تحت عنوان مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی اداره می‌شوند. و در عین حال، بعضاً نقش بسیار مؤثری در اقتصادی کشور دارند.

دولت جمهوری اسلامی ایران در مقام حافظ منافع ملی و تأمین کننده اهداف عدالتخواهانه نظام، وظیفه سنگین و در عین حال خطیری را در امر اقتصاد بر عهده دارد. تأمین بخش مذکور مالکیت عمومی و مدیریت را بر تمام اجزا این بخش دوام می‌بخشد. بنابراین واگذاری و نقل و انتقال هیچیک از این اجزاء تحت هر عنوان به بخش غیردولتی و خصوصی قانوناً مقدور نیست.

در قانون اساسی علاوه بر آنکه تصدی منابع و تأسیسات آبی را با دیدگاه استفاده بهینه توسط بخش دولتی مدنظر داشته ابعاد دیگر مطلب یعنی کسب درآمد برای دولت در جهت اهداف اقتصادی و درآمدی را از نظر دور نداشته است. شاید بتوان دلایل مختلفی را برای انگیزه قانونگذار برشمرد.

زیرا منابع آبی از جهات مختلف دارای اهمیت هستند. کمبود منابع آبی لزوم بهره‌مندی عمومی از امکانات آن، حجم عظیم سرمایه‌گذاری در این بخش و نیز اهداف سیاسی، نظامی و آن که آب‌بعضاً ابزاری در جهت منافع معدودی قرار نگیرد و می‌توان بعنوان پاره‌ای از دلایل این امر توجیه کرد. همچنین درباره علل توجه قانونگذار به منابع آبی چنین آورده‌اند: (۳۸)

آب و برق و تأسیسات و شبکه‌های مربوط به آن نیروهای عمده‌ای هستند که زندگی مردم و کلیه تأسیسات اقتصادی و اجتماعی جامعه بدان متکی است و کمترین نقصان و یا اختلال در آنها اثرات تخریبی زنجیره‌ای و مرتبط با تمام شئون فردی و اجتماعی به جای می‌گذارد. بدین جهت تولید، بهره‌برداری، تنظیم و توزیع این نیروهای حیاتی باید از هدایت و مدیریت مستحکمی برخوردار باشد.

دولت در مقام ایجاد نظم، حفظ امنیت و مراقبت از حقوق مردم و انتظام کلیه امور جامعه در این خصوص از حقوق و تکالیف اجتناب ناپذیری باید برخوردار باشد.

از زمان تأسیس وزارت آب و برق (سال ۱۳۴۳) به بعد، با احداث بیشتر سدها و شبکه‌های آبرسانی و تأسیس نیروگاهها، این امر به تدریج در اختیار دولت قرار گرفت و در کنار آن نسبت به ایجاد نیروگاههای اتمی اقداماتی بعمل آمد. در این خصوص اصل چهل و چهارم قانون اساسی تأمین نیرو و شبکه‌های بزرگ آبرسانی را بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت مقرر داشته است. این بخش مهم خدماتی همین اینک در انحصار دولت قرار دارد.

یکی دیگر از اصول حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۴۵ آن می‌باشد که اشعار می‌دارد:
انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها و بییشه‌های عمومی، مراتعی که حریم نیست و در اختیار حکومت اسلامی است.

انفال عبارتست از ثروتهای خدادادی که بعنوان ثروت عمومی توسط امام عادل در راه خدا و برای رفاه مردم به مصرف می‌رسد. (۳۹)

قرآن کریم انفال را از آن خدا و پیامبر خدا (ص) می‌داند که به منظور اصلاح ذات‌البین در اختیار پیامبر (ص) قرار می‌گیرد این اموال که اصولاً بدون جنگ بدست می‌آید (فی‌ء) نامیده می‌شوند.

مصرف فی‌ء در قرآن به تفکیک بیان شده که ایتم، مساکین و در راه ماندگان جزء مصرف‌کنندگان آن محسوب می‌شوند. اموال عمومی که به حکم قرآن در اختیار پیامبر قرار گرفته بعد از آن در اختیار امامان معصوم و سپس به نواب آنها (فقهای جامع شرایط) می‌رسد. (۴۰)

با وجود اصل مذکور در قانون اساسی دولت با در اختیار داشتن انفال و ثروتهای عمومی، سهم‌مهمی از ابتکار عمل را در راه برطرف کردن فقر و محرومیت خواهد داشت. (۴۱)

در اینجا دو اصل مهم مورد نظر قرار گرفته است
اول آنکه اکثر منابع آبی جزء انفال و ثروتهای عمومی بحساب آمده‌اند و ملک خصوصی افراد نبوده و قابل تملک خصوصی نیز بشمار نمی‌آیند

دوم آنکه اختیار آنرا با حکومت اسلامی قرار داده است.

چگونگی استفاده از انفال را قانون اساسی معین نساخته است ولی آنچه مسلم است در قوانین عادی باید زمینه‌های استفاده از انفال روشن گردد. با این وجود باید دیدگاه اقتصادی استفاده از این منابع بیشتر مدنظر باشد با حفظ اصل نگهداری از آنها، اما آنچه که صحیحتر به نظر می‌رسد اینست که خروج موضوعی مالکیت آنها از مالکیت خصوصی طبیعتاً به افزایش حاکمیت دولت و کنترل و نظارت بر این منابع می‌افزاید.

هرچند که به نظر می‌رسد دولت بتواند با بهره‌گیری از اصل فوق، ضمن حفظ مالکیت عمومی این منابع را از سلطه اشخاص حقیقی یا حقوقی خارج و برای کسب درآمد آنرا به بخش خصوصی و امی‌نمایند، ولی در بهره‌برداری آن توسط بخش خصوصی تا حدی که به مالکیت عمومی این منابع صدمه‌ای وارد نیاید. در حال حاضر به نظر می‌رسد که روند کنونی سیاست دولت نیز در این چهارچوب باشد. (۴۲)

۸- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۶۱.

قانون توزیع عادلانه آب با تاسی از اصول کلی حاکم بر بخش اقتصادی قانون اساسی و با عنایت به اصل ۴۵ قانون مذکور در مورخه ۲۶/۱۲/۱۳۶۱ توسط قانونگذار تصویب گردید. (۴۳)

هر چند که با وجود مقررات قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۷۴ وجود شرایطی جدی برای امر آبرسانی ضروری به نظر نمی‌رسید اما تغییر ساختار حکومتی و شرایط مخصوص پس از انقلاب اسلامی دال بر اختلال در روند سابق، و قانونگذار اسلامی ضرورت تدوین مقررات جدیدی برای امر آبرسانی را شایسته دانسته و با هدف تدوین مقررات برای تأمین عادلانه آب برای همه قانون مذکور را به تصویب رساند. بدیهی است که در بحث فعلی صرفاً ما به ابعاد مالکیت منابع آبی توجه داشته و از تعرض به سایر مقررات این قانون خودداری می‌نماییم.

قانون مذکور در ماده ۱ اشعار می‌دارد:

براساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آبهای دریاها و آبهای جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و سیلابها و فاضلابها، زه آبها و دریاچه‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آبهای معدنی و منابع آبهای زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود.

اولا در این ماده به انواع منابع آبی اشاره شده است. **ثانیا** این ماده با جمع مقررات قانون اساسی دال بر انفال دانستن منابع آبی اشاره ظریفی به مقررات قانون مدنی دارد که این قبیل منابع را مشترکات دانسته که تعبیری به مشترکات عمومی در قانون مدنی آشنابه ذهن به نظر می‌رسد و **ثالثا** بهره‌برداری از آنها را طبق مصالح عامه ذکر کرده است که نکاتی در این خصوص قابل ذکر می‌باشد:

اول: تطبیق ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب با ماده ۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن

۱- در قانون آب منابع آبی تحت عنوان ثروت ملی محسوب شده‌اند حال آنکه در قانون توزیع عادلانه آب منابع جزء مشترکات آمده‌اند که مشترکات عمومی مجزا از ثروت ملی است زیرا ثروت ملی در کلام ادبی به انفال نزدیکتر است تا مشترکات عمومی که در قانون مدنی به اموال عمومی اطلاق می‌گردد.

۲- در قانون آب قید نموده که این منابع متعلق به عموم است ولی در قانون توزیع عادلانه آب صرفا به مشترکات بودن آنها اکتفاء نموده و اختیار آنها را با حکومت اسلامی دانسته و به اصل مالکیت آنها اشاره‌ای ننموده است و به نظر می‌رسد با وجود تصریح به اصل ۴۵ خود را از تعرض به مسئله مالکیت عمومی مستغنی دیده است.

۳- در قانون آب مرجع اداره تأسیسات را وزارت آب و برق داشته در حالی که در قانون توزیع عادلانه آب به دولت اشاره کرده که دولت به مجموعه سازمانهای اداری مجری سیاستهای عمومی جامعه اطلاق می‌شود و ممکن است دستگاههایی را بوسیله سایر قوانین نیز متکفل امور منابع آب دانست و لذا تعبیر وسیعتری بکار رفته است.

دوم: تفسیر عبارات ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب

۱- هرچند که قانونگذار سعی داشته که اغلب منابع آبی را بیان نماید با این وجود از ذکر برخی از آنها غفلت نموده، لذا با وجود شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مسیله‌ها، که جزء منابع آبی هستند در قانون ذکر از آنها بعمل نیامده است.

۲- از طرفی کلمه منابع آبهای زیرزمینی بدون تعریف قانونی امری مبهم است مگر آنکه هرگونه منبع زیرزمینی شامل چاه، قنات، آبرفت و چشمه را مشمول این تعریف بدانیم.

۳- در این قانون به بهره‌برداری طبق مصالح عامه اشاره شده است در حالی که این عنوان بسیار کلی و عام می‌باشد و مصالح عامه در عبارات قانونی فاقد تعریف بخصوص و روشن است و متأسفانه آیین‌نامه‌های اجرایی نیز این عبارت را تعریف نکرده‌اند و مشخص نیست آیا لازم است که در سایر قوانین مصادیق مصالح عامه ذکر شود یا همین که دولت با تدابیر ویژه خود اقداماتی را به انجام رسانیده که نهایت عنایت آنها تأمین مصالح عامه باشد، هرچند که محتمل است در پاره‌ای مواقع در کوتاه مدت، مصالح عمومی در معرض تعدی و تفریط دولت نیز قرار گیرد. به نظر می‌رسد که شایسته آن باشد که این عبارات واجد تعریف بخصوص و متقن گردند تا از اعمال تفسیرهای بخصوص ممانعت بعمل آید.

۴- مسئولیت حفظ، اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از این منابع به دولت واگذار شده است. به نظر می‌رسد که امور مربوط به حفظ و حراست از منابع آبهای مختلف به عهده دولت می‌باشد که کمالاتی در خصوص منابع آبهای زیرزمینی قانون بخصوصی وجود دارد. (۴۴)

هرچند که نحوه حفظ و حراست مشخص نشده اما دولت بایستی با بهره‌گیری از قواعد عام حفاظت مندرج در قانون، پیرامون سیاست جزایی و مسئولیت آب برای، قواعد حفاظت از آنها را به‌مورد اجرا گذارد. همچنین دولت در سایر قوانین جزایی ابزار حفاظت را از طریق اعمال مجازاتهای قانونی بدست آورده است. مضافا حفاظت جنبه‌های مختلفی دارد که یکی از این جنبه‌ها حفاظت قانونی است که سایر جنبه‌ها شامل حفاظت فنی، فیزیکی، علمی، اجرایی قابل ذکر و تأمل می‌باشند.

۵- مسئولیت خدمت اجازه و بهره‌برداری از منابع آبها به دولت محول شده است در این خصوص **دو مطلب** به نظر می‌رسد

اول: آنکه دولت به دیگران اجازه بهره‌برداری می‌دهد و خود به‌نگام وضع ید نیازمند کسب اجازه از کسی نیست و چون دیگران در این مشترکات سهم هستند این حق را ندارند که از اقدامات حفاظتی یا فنی دولت ممانعت بعمل آورند، مضافا آنکه قضیه بالعکس می‌باشد و دولت بعنوان نماینده اجتماع مرجعی است که هر کس بخواهد در تأسیسات یا منابع آبی دخالت نماید باید از دولت اجازه بگیرد و الا اقدامات وی مشمول دخالت غیرقانونی و غیرمجاز بوده و بیک نوع تجاوز تلقی و مستوجب مجازات خواهد بود.

دوم: آنکه دولت در هنگام بهره‌برداری به امر نظارت خواهد پرداخت و از مفهوم مخالف این عنوان استنباط می‌شود که دولت خود عامل نظارتی است نه عامل اجرایی مگر آنکه دستگاههای دولتی را شامل در بخش اجرایی و نظارتی بدانیم که برخی از دستگاههای بهره‌برداری از این منابع، باید تحت نظر دستگاههای ناظر در بهره‌برداری از منابع آبی اقدام نمایند اما چون سیاست عمومی دولت در جهت احاله امور به بخش غیردولتی و بهره‌مندی از پتانسیلها و

ظرفیتهای اقتصادی بخش خصوصی است امکان بهره‌برداری از منابع آبی بوسیله بخش غیردولتی با وجود نظارت عمومی دولت بلامانع و شایسته به نظر می‌رسد. حال آنکه در زمان فعلی نیز تفسیری که در عمل مشاهده می‌شود گویای این امر می‌باشد. (۴۵)

در هر حال مالکیت عمومی و ملی دولت در قانون توزیع عادلانه آب در ماده ۱ بشرح مطلوبی ملحوظ نظر واقع شده است.

همچنین در ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب آمده است:

بستر انهار طبیعی و کانالهای عمومی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند مسیله‌ها و بستر مردابها و برکه‌های طبیعی در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

و در تبصره‌های ۳ و ۴ ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در منابع آبی را ممنوع دانسته مگر با اجازه وزارت نیرو. نیز امکان خلع ید و تخلیه و قلع و قمع اعیانی‌های مزاحم را به وزارت مذکور با شرایطی اعطاء می‌نماید.

در مقایسه این ماده با ماده ۲ قانون آب سال ۴۷ باید تصریح کرد که در این ماده بستر منابع آبی به تفصیل روشن شده‌اند و مالکیت آنها به حکومت جمهوری اسلامی واگذار شده در حالی که در قانون سال ۴۷ از کلمه متعلق به دولت استفاده شده بود که در ماهیت امر همان مفهوم را گویا می‌باشد اما از نظر حقوقی شاید بتوان عبارت دولت با حکومت را در دو مقوله مجزا نیز بکار برد.

بدیهی است در مقام مالکیت است که دولت اجازه می‌یابد از هر نوع تجاوز غیر، ممانعت نموده یا امکان استفاده دیگران را فراهم سازد. لذا کلماتی که تحت عنوان <در اختیار حکومت> یا <متعلق به دولت> در متون قانون مورد اشاره رفته حکایت دقیق از مالکیت منابع آبی دولت و مالا وزارت نیرو دارد.

متعاقب تصویب قانون توزیع عادلانه آب قانون دیگری که پیرامون روند کلی منابع آب باشد از تصویب قانونگذار نگذشته است و در حال حاضر این قانون حاکمیت اجرایی دارد. از نقطه نظر مالکیت منابع پاره‌ای از آئین‌نامه‌های اجرایی قانون توزیع عادلانه آب مانند: آئین‌نامه تعیین حد حریم و بستر رودخانه‌ها و انهار و مسیله‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی مصوب ۱۲/۴/۷۰.

و نیز آئین‌نامه حریم مخازن تأسیسات آبی، کانالهای عمومی آبرسانی و آبیاری و زهکشی مصوب ۲۴/۴/۷۱. نیز در راستای مالکیت قانونی دولت بر منابع آبهایی داخلی به وضع ضوابط مربوطه پرداخته‌اند که بدلیل متابعت آنها از قواعد قانون توزیع عادلانه آب از تعرض به آنها خودداری می‌شود. (۴۶)

منابع و مأخذ :

- ۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۸ صفحه ۲۹۷
- ۲- Dudomaina Public
- ۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۸ صفحه ۲۲۶
- ۴- همان منبع صفحه ۴۶
- ۵- همان منبع صفحه ۷۷
- ۶- ماده ۲۹ قانون مدنی، هوشنگ، مجموعه قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، نشر دیدار تهران، ۱۳۷۲، صفحه ۱۲
- ۷- دکتر جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۸ صفحه ۱۰۴
- ۸- ماده ۳۰، قانون مدنی، ناصر زاده، هوشنگ، مجموعه قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، نشر دیدار تهران، ۱۳۷۲، صفحه ۱۲
- ۹- ماده ۹۲۸ قانون مدنی آلمان همانند این ماده است و ظاهراً در ماده ۲۷ از قانون آلمان بهره‌گیری شده است.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۸ صفحه ۶۰۲
- ۱۱- سرمد، مرتضی، حقوق آب، جلد اول، چاپ سکه، تهران، ۱۳۵۰، صفحه ۴۳ تا ۴۵
- ۱۲- Ros nallius
- ۱۳- Les choses abandonnees
- ۱۴- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۸ صفحه ۳۵۳
- ۱۵- ماده ۱۴۶ قانون مدنی، ناصرزاده، هوشنگ، مجموعه قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، نشر دیدار تهران، ۱۳۷۲- صفحه ۳۲
- ۱۶- مواد ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۰۰، ۹۶ قانون مدنی، ناصرزاده، هوشنگ، مجموعه قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، نشر دیدار تهران، ۱۳۷۲، صفحه ۳۰ الی ۳۲
- ۱۷- ماده ۹۶ قانون مدنی، ناصرزاده، هوشنگ، مجموعه قوانین مدنی، مسئولیت مدنی، نشر دیدار تهران، ۱۳۷۲، صفحه ۲۳
- ۱۸- طبق قاعده (لاضرر و لا ضرر فی الاسلام) چنین خسارتی منع گردیده است.
- ۱۹- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۸، صفحه ۱۳۷
- ۲۰- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱ انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۸، صفحه ۱۳۷
- ۲۱- دفتر حقوقی وزارت نیرو مجموعه قوانین صنعت آب و برق انتشارات وزارت نیرو، تهران ۱۳۷۳ صفحه ۳

- ۲۲- دفتر حقوقی وزارت نیرو مجموعه قوانین صنعت آب و برق انتشارات وزارت نیرو ، تهران ۱۳۷۳ صفحه ۸
- ۲۳- همان منبع صفحه ۱۷
- ۲۴- قانون اصلاح قانون تأسیس بنگاه آبیاری و امور مربوط به آبیاری کشور مصوب ۱۳۳۴ / ۵ / ۱۱ دفتر حقوقی وزارت نیرو مجموعه قوانین صنعت آب و برق انتشارات وزارت نیرو ، تهران ۱۳۷۳ صفحه ۱۷ تا ۲۱
- ۲۵- اکثر موارد این قانون در جهت کاهش اختیارات مالکین می باشد .
- ۲۶- دفتر حقوقی وزارت نیرو مجموعه قوانین صنعت آب و برق انتشارات وزارت نیرو ، تهران ۱۳۷۳ صفحه ۵۱
- ۲۷- دفتر حقوقی وزارت نیرو مجموعه قوانین صنعت آب و برق انتشارات وزارت نیرو ، تهران ۱۳۷۳ صفحه ۶۰
- ۲۹- سرمه مرتضی ، حقوق آب ، جلد اول ، چاپ سکه ، تهران ۱۳۶۸- صفحه ۷۶
- ۳۰- Domaine or biens nationaux**
- ۳۱- و ۳۲- لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق اموال ، انتشارات گنج دانش ، تهران ۱۳۶۸، صفحه ۷۶
- ۳۳- سرمد مرتضی ، حقوق آب ، جلد اول ، چاپ سکه، تهران ۱۳۶۸- صفحه ۱۰۱
- ۳۴- قانون تأسیس وزارت نیر مصوب ۵۳ / ۱۱ / ۲۸
- ۳۵- قانون گسترش کشاورزی در قطبهای کشاورزی مصوب ۵۴ / ۲ / ۵
- ۳۶- هاشمی دکتر سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد ۱ ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران ۳۷۴ صفحه ۳۲۳ تا صفحه ۳۲۶
- ۳۷- Intervention directe et indirecte**
- ۳۸- هاشمی، دکتر سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران ۱۳۷۴ صفحه ۳۲۳ تا صفحه ۳۲۹
- ۳۹- از فضلا و نویسندگان ، تفسیر نمونه ، جلد سیزدهم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، قم، ۱۳۷۴ صفحه ۵۰۸ و ۵۰۹ ، پاورقی با تخلص
- ۴۰- هاشمی دکتر سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد ۱ ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران ۱۳۷۴ صفحه ۳۲۳ تا صفحه ۳۰۶
- ۴۱- همان منبع صفحه ۳۷
- ۴۲- تشکیل شرکتهای بهره برداری از شبکه های آبیاری و سدها و انتقال و توزیع برق که با حفظ مالکیت دولت بر این منابع می باشد از مصادیق بارز این تصمیم گیری است .
- ۴۴- قانون حفظ و حراست از آبهای زیر زمینی مصوب ۱۳۴۵ به نقل از روزنامه رسمی کشور ایران- به شماره ۶۲ / ۴۱۳۴۵ / ۴ / ۲
- ۴۵- بخشهای عمده ای از روند بهره برداری از منابع آبی بواسطه تشکیل شرکتهای بهره برداری شبکه های آبیاری ، سدها صورت می گیرد و دولت خود بعنوان ناظر عالییه ، سیاستهای کلی بهره برداری را به این قبیل شرکتهای ابلاغ می نماید .
- ۴۶- آئین نامه های کثیری در این خصوص وجود دارد که عمدتا مالکیت دولت را مورد تأیید قرار داده اند .